

درس‌هایی که از لیل‌المبیت می‌توان گرفت



دکتر هادی رستگار مقدم

به مناسبت یکم ربیع‌الاول، می‌خواهیم به ماجرای «لیل‌المبیت»، اشاره کنیم که در شمار فضایی است که در باره حضرت علی^(ع) ذکر شده است. ماجرا از این قرار بوده است: هنگامی که عده‌ای از قریش هم‌داستان شدند برای کشتن پیغمبر^(ص) و پیامبر خدا مأمور شدند از مکه به مدینه هجرت کنند، چون نمی‌توانستند در برابر آن‌ها آشکارا از مکه بیرون بروند، تصمیم گرفتند پنهانی و در بی‌خبری آنان خارج شوند تا از ناحیه آنان، آسیبی به آن حضرت نرسد. در این هنگام حضرت به تنها کسانی که اطمینان داشتند تا ایشان را از کار خود باخبر کنند، دو نفر بودند، یکی ابوطالب، پدر حضرت علی^(ع)، و دیگری خود حضرت امیر^(ع). اینکه به ابوطالب^(ع) این واقعه را بیان کردند، شاید بدان سبب بود که از او مشورت و اجازه بگیرند برای اینکه حضرت علی^(ع) در جایگاه و بستر ایشان قرار بگیرند تا آنان متوجه غیبت رسول خدا^(ص) نشوند و اما

اینکه به علی^(ع) گزارش کار خود را دادند، شاید بدان سبب بود که نظر آن حضرت را برای جایگزین شدنشان در بستر خواب خودشان، جویا شوند که هر دو نفر، یعنی هم ابوطالب و هم حضرت مولا علی^(ع)، با تمام وجودشان و بدون لحظه‌ای درنگ، خطر در بستر خوابیدن را پذیرفتند.

پس از این واقعه و ناکام ماندن توطئه به قتل رساندن رسول خدا^(ص)، خدای تعالی در آیه ۲۰۷ سوره بقره این گونه بیان فرمود: «وَمِنَ اللَّيْلِ مَنُ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتٍ... وَ... رَوْفٍ بِالْعِيَادِ، و از مردم کسی است که می‌فروشد جان خود را در پی خوشنودی خدا و خداست مهربان بر بندگان»، نزول این آیه شریفه، دلیل بر فضیلت کارو جان‌فشانی حضرت امیرالمؤمنین^(ع) است و همچنین نشان می‌دهد که پیش نهاد رسول خدا به علی^(ع) برای در بستر قرار گرفتن و نیز قبول کردن آن حضرت، به‌تمامی بدون فرمان الهی بوده است؛ زیرا اگر به فرمان الهی این عمل انجام می‌گرفت، نزول آیه شریفه در شأن و فضیلت آن حضرت، شاید وجهه زیبایی نمی‌داشت. ازسوی دیگر آنچه فعل حضرت علی^(ع) و واقعه خوابیدن ایشان در بستر رسول خدا^(ص) را شاخص قرار می‌دهد، آن است که در آغازین روزهای بعثت پیامبر خدا و نزول جناب جبرئیل^(ع) به ایشان و بشارت دادن پیامبری آن حضرت را و اینکه علی^(ع) در میان مردان اولین شخصی بود که ایمان به پیامبری آن حضرت آورد، درحالی که دشمنان این مسئله را اشاعه می‌دادند که علی در آن زمان کودک‌کی بیش نبوده و از درک و معرفت کافی بی‌بهره بوده است و محمد^(ص) از احساسات یک کودک بهره برده است تا ایمان به پیامبری‌اش آورد، این واقعه خط بطلان بر آن اندیشه باطل کشید؛ زیرا در این زمان، حضرت امیرالمؤمنین^(ع) به کمال عقل و معرفت رسیده بودند و با عقل کامل و معرفت تام، بدون هیچ دغدغه‌ای، آن پیشنهاد را پذیرفتند، به‌طوری که حتی از پدرشان ابوطالب خداحافظی می‌کنند و به پدر می‌گویند ممکن است از این واقعه، جان سالم به در نبرم و ابوطالب اشعاری را قرائت می‌کند که سرآغاز آن چنین است: إصطبر ای بُنَّی فالصُّبرُ أحقُّ کلِّ حُیٍّ مصیره لشعوب یعنی ای پسر من! در این بلا صبر کن. به‌درستی که صبر کردن، عاقلی است و هر زنده، آخر راهش به موت است.

قد ٱبْذُلْنَاكَ وَ الْبِلَاءَ شَدِيدٌ لِّفِدَاءِ الْحُجْبِ وَ ابْنِ الْحُجْبِ تورا در بالای شدید بذل کردیم از برای فدای کسی که نجیب و پسر نجیب است. (یعنی رسول خدا^(ص))، بدین سبب علی^(ع) در زمان حیات پیامبر خدا^(ص)، از آن حضرت و شریعت آن پیامبر خدا با تمام وجودشان دفاع کردند و نیز در زمان ممانتشان، باید حافظ شریعت آن حضرت می‌بودند و خداوند ایشان را وصی و ولی و خلیفه و امام بلافصل رسول خدا فرمان داد.

واقعه لیل‌المبیت را خود حضرت امیر^(ع) در نامه ۹ نهج‌البلاغه که به معاویه نوشتند، گوشزد کردند و فرمودند: «خویشاوندان ما از قریش می‌خواستند پیامبرمان^(ص) را بکشند و ریشه ما را درآورند و در این راه، اندیشه‌ها از سرگذراندند و هر چه خواستند، درباره ما انجام دادند و زندگی خوش را از ما سلب کردند و با ترس و وحشت به‌هم آمیختند و ما را به پیمودن کوه‌های صعب‌العبور مجبور کردند و برای ما آتش جنگ افروختند، اما خدا خواست که ما پاسدار دین او باشیم و شر آنان را از حریم دین بازداریم. مؤمن ما در این راه خواستار پاداش بود و کافر ما از خویشاوندان خود، دفاع کرد. دیگر افراد قریش که ایمان می‌آوردند و از تبار ما نبودند، هرگاه آتش جنگ زبانه می‌کشید و دشمنان هجوم می‌آوردند یا به وسیله هم‌پیمان‌هایشان یا با نیروی قوم و قبیله‌شان حمایت می‌شدند، در امان بودند. پیامبر^(ص) اهل بیت خود را پیش می‌فرستاد تا به وسیله آن‌ها، احصایش را از سوزش شمشیرها و نیزه‌ها حفظ فرماید، چنان که عبیده‌بن حارث در جنگ بدر و حمزه در احد و جعفر در موته، شهید شدند. کسانی هم بودند که اگر می‌خواستیم، نامشان را می‌آوردیم. آنان دوست داشتند چون شهیدان اسلام، شهید شوند، اما مقدر چنین بود که زنده بمانند و مرگشان به تأخیر افتاد. شگفتا از روزگار که مرا هم‌سنگ کسی قرار داده است که چون من پیش‌قدم نبوده و مانند من سابقه در اسلام و هجرت نداشته است. کسی را سراغ ندارم چنین ادعایی کند، مگر ادعاکننده‌ای که نه من او را می‌شناسم و نه فکر می‌کنم خدا، او را بشناسد! درهرحال خدا را بسیارمگزارم».

بردار و بخوان

برادران قریب

شاید زیاد دیده‌ایم که دشمن چطور نقاط اختلاف را بزرگ می‌کند، آن قدر که نقاط مشترک بی‌شمار به‌چشم‌پند نیاید.

«به‌یک‌ی از مساجد اهل سنت مشهور رفته بودیم، با امام جماعت آنجا هم‌سخن شدیم. آدم‌اهل‌دل و نورانی و معتدلی بود. سخن به صدیقیقه طاهره^(ص) رسید. گفت: خدایم! داند که‌ما بیشتر از شما فاطمه داریم. من خودم الحمدالله دو فاطمه در خانه دارم. کتاب «برادران قریب» از ارتباط نزدیک شیعه و اهل سنت می‌گوید.

می‌گفت: من هر سال چهار بار به زیارت امام‌رضا^(ع) می‌روم. وقتی خردسال بودم، به‌بیماری لاعلاجی مبتلا شدم. پدرم نذر کرد و من را به زیارت امام‌رضا^(ع) برد تا اینکه شفای پیدا کردم. من زندگی خودم را مدیون کرامت امام‌رضایم دانم. برای مدتی کاملاً گیج بودم که چطور یک اهل سنت تا این اندازه به امام‌رضا^(ع) ارادت دارد و از ایشان برای بیماری‌اش شفا گرفته است، درحالی که اصلاً فکر نمی‌کردم امام‌رضا^(ع) بیماران اهل سنت را هم شفا بدهد. اینجا بود که فهمیدم نه تنها ذهنیت من نسبت به اهل سنت، بلکه نسبت به امام‌رضا^(ع) اشتباه بوده است.

«برادران قریب»، را حامد رضایی نوشته و نشر آرما منتشر کرده است. او سعی کرده است ما را از پیش قضاوت‌هایی که درمورد اهل سنت داریم، دور کند و به‌شباهت‌های فرهنگی و اعتقادی دو مذهب، در قالب خاطره اشاره کند. «این قدر با برادران اهل سنت چفت‌شده بودیم که دیگر چیزی به‌اسم گروه اهل سنت یا شیعه، معنی نداشت. کنار هم می‌نشستیم و کنار هم کار می‌کردیم، فارغ از اینکه چه کسی شیعه است و چه کسی سنی است».

در کتاب می‌خوانیم: «چطور با یک رفتار، نگاه اهل سنت هم به شیعه تغییر می‌کند، اینکه چطور می‌شود انسان‌هایی در یک کشور یا گاه‌ها در یک شهر زندگی کنند ولی در عین نزدیکی بدن‌ها، تصویری غیرواقعی از یکدیگر داشته باشند، خودش مسئله‌ای مهم و در جای خود قابل تأمل است اما آنچه توانسته تصویر واقعی‌تری از هموطنان و همشهری‌ها با یکدیگر ایجاد کند و صمیمیت‌ها و همدلی‌ها را بیشتر کند، ارتباط بدون پیش‌فرض و صادقانه بوده است. و بس. کتاب مذکور خاطراتی است از کسانی که بدون ذهنیت خاصی، با برادران اهل سنت تعامل داشته‌اند که می‌تواند تصویر ذهنی و دور از واقع شما را نسبت به آنان عوض کند».



آشنایی با اعمال و فضیلت‌های سومین ماه قمری

ربیع‌الاول، بهار ایام است

حمیده ذاکری| ماه محرم و صفر را پشت سر گذاشتیم و به امید قبولی عزاداری‌هایمان در محضر حق، در روزهای نخستین ماه ربیع‌الاول قرار داریم. این ماه آمیخته با خاطره غم‌انگیزی چون شهادت امام حسن عسکری^(ع) و مطابق روایت معروف، ماه میلاد مبارک پیامبر گرامی اسلام^(ص) و امام صادق^(ع)، هجرت پیامبر اکرم^(ص) از مکه به مدینه و همچنین آغاز امامت پربرکت حضرت بقیه‌ا...^(ع) است. ربیع‌الاول به‌عنوان ماه از سال قمری، دارای اعمال و آدابی است که در ادامه با هم مرور می‌کنیم.

ماه رحمت الهی

ربیع در لغت به معنی بهار است و در زبان عرب به معنی فصل بهار، در فرهنگ لغت، درباره معنی این ماه چنین آمده است: «ربیع از ماده «ربع» [است] و معنای اصلی این ماده به عدد چهار بازمی‌گردد و عرب به فصل بهار که یک‌چهارم سال است، ربیع گفته است... از آنجا که ماه‌های ربیع‌الاول و ربیع‌الآخر در آغاز این فصل جای گرفته‌اند، به نام این فصل موسوم شده‌اند. در تاریخ‌نگار مسعودی آمده است: سالی که این نام‌گذاری انجام شده، مقارن با فصل بهار بوده است. فصل بهار، فصل شادی برای آغاز سال نو و جشن طبیعت است و ماه ربیع نیز این گونه است. ماه بهار سرشار از معنویت و شادی در بین شیعیان است. میرزا جواد آقا ملکی تبریزی در کتاب «المراقبات»، می‌نویسد: «این ماه همان گونه که از اسم آن پیداست، بهار ماه هاست، به جهت اینکه آثار رحمت خداوند در آن هویداست. در این ماه، ذخایر برکات خداوند و نورهای زیبایی اوبر زمین فرود آمده است، زیرا میلاد رسول خدا^(ص) در این ماه است و می‌توان ادعا کرد از اول آفرینش زمین، رحمتی مانند آن بر زمین فرود نیامده است، زیرا برتری این رحمت بر سایر رحمت‌های الهی، مانند برتری رسول خدا بر سایر مخلوقات است».

یادگار فداکاری علی^(ع)

لیل‌المبیت، شبی است که امام علی^(ع) برای حفظ جان پیامبر^(ص) در بستر ایشان خوابیدند. مشرکان قصد داشتند در این شب، دسته‌جمعی به خانه پیامبر^(ص) حمله کنند و ایشان را به قتل برسانند. به امر الهی و به درخواست پیامبر^(ص)، امام علی^(ع) در بستر ایشان خوابیدند و در نتیجه مشرکان متوجه نبود پیامبر نشدند و رسول خدا^(ص) توانستند در آن شب به سمت یثرب، هجرت کنند. بسیاری از مفسران، شأن نزول آیه شراء یا اشتراء (لیل‌المبیت) در سوره بقره را این فداکاری امام علی^(ع) در لیل‌المبیت دانسته‌اند. در این آیه چنین آمده است: و از میان مردم، کسی است که جان خود را برای طلب خوشنودی خدا می‌فروشد و خدا نسبت به [این] بندگان مهربان است، تاریخ این واقعه، شب اول ربیع‌الاول سال سیزدهم یا چهاردهم بعثت، بیان شده است.

روز شکرگزاری و زیارت

سیدبن طاووس در کتاب «الاقبال»، درباره فضیلت این ماه نوشته است و از اتفاقات مبارک آن همچون هجرت پیامبر^(ص) از مکه به مدینه و سلامت ایشان از نیرنگ دشمنان برای قتلشان در شب لیل‌المبیت، سخن گفته است و به جا آوردن نماز شکر را به‌نشانه شکرگزاری از خدا در روز اول ربیع‌الاول، توصیه کرده و از قول شیخ مفید نقل کرده است که روزه این روز به دلیل موفقیت پیامبر^(ص) و نجات ایشان از دست دشمنان، مستحب است و در نهایت دعایی برای این روز نقل کرده است. شیخ عباس قمی نیز در مفاتیح، درباره اعمال ماه ربیع‌الاول آورده است: «روز اول، علما گفته‌اند مستحب است که برای تشکر نعمت سلامتی رسول خدا^(ص) و امیرالمؤمنین^(ع) روزه بدارند و زیارت آن دو بزرگوار در این روز مناسب است، از اعمال توصیه‌شده برای این روز، می‌توان به غسل کردن و پوشیدن لباس نو نیز اشاره کرد.

روز تهنیت و اعمال پسندیده

طبق روایتی در روز هشتم ربیع‌الاول، سال ۲۰۶، شهادت امام حسن عسکری^(ع)، واقع شده است و از همان روز، امامت حضرت صاحب‌الزمان، حجت‌بن‌الحسن -عجل‌ا... تعالی فرجه الشریف- آغاز شده است. عموم شیعیان در روزهای آغازین این ماه به احترام شهادت امام حسن عسکری^(ع) از برگزاری مجالس شادی اجتناب می‌کنند و با گذشت ایام سوگواری ایشان، به جشن امامت امام‌زمان^(ع) اهتمام می‌ورزند که توصیه شده است این مناسبت را عید بنامند و به آن توجه کنیم. در این روز، خواندن زیارت امام حسن عسکری^(ع) و امام‌زمان^(ع) مستحب است. این روز، روز عید و جشن و شادی بزرگ برای مؤمنان به‌مناسبت به امامت و به خلافت رسیدن صاحب‌الزمان^(ع) است. در مفاتیح‌الجنان آمده است هر که در این روز چیزی انفاق کند، گناهانش آمرزیده می‌شود و گفته شده است در این روز می‌توان به‌شکرانه، انجام اعمالی را که در اعیاد پسندیده است، مدنظر قرار داد، مانند اطعام و ولیمه دادن، پوشیدن لباس نو، گشاده دستی و فراوانی برای خانواده و همچنین، شکر و عبادت خداوند متعال.

یک هفته شادمانی

روزه به نیت شکرگزاری، از اعمال مشترک روز دهم و دوازدهم ربیع‌الاول است. روز دهم این ماه، مصادف با سالروز ازدواج حضرت محمد^(ص) و حضرت خدیجه^(ص) است و روز دوازدهم، پیامبر پس از دوازده روز به مدینه وارد شدند. همچنین سقوط حکومت آل مروان در این روز بوده است. برای این روز، نمازی نیز سفارش شده که شرح آن در مفاتیح‌الجنان آمده است. روز چهاردهم ربیع‌الاول، مصادف با سالروز مرگ یزیدبن معاویه است. همان‌طور که می‌دانید، روز دوازدهم این ماه مطابق نظر مرحوم شیخ کلینی و مسعودی و همچنین دیدگاه مشهور میان اهل سنت، روز ولادت باسعادت نبی مکرم اسلام^(ص) است (زاد‌المعاد، ص ۴۱۲). از این روز، هفته وحدت آغاز می‌شود و مسلمانان شروع به برگزاری جشن و شادی برای ولادت پیامبر^(ص) می‌کنند.

روزی که بسیار مبارک است

طبق روایات مشهور شیعه، شب هفدهم ربیع‌الاول، شب ولادت حضرت خاتم‌الانبیا، رسول معظم اسلام^(ص) است و شب بسیار مبارکی است (مصباح‌المتجهذ، صفحه ۷۹۱ و اقبال، ص ۶۰۳). همچنین یک سال قبل از هجرت رسول خدا^(ص)، در چنین شبی، ایشان به معراج رفتند. (اقبال، ص ۶۰۱). علاوه بر این در روز هفدهم ربیع‌الاول سال ۸۳ هجری قمری، ولادت باسعادت امام صادق^(ع) واقع شده است که اهمیت این روز را بیشتر می‌کند (بحار‌الانوار، جلد ۴۷، ص یک، حدیث ۲). خوب است بدانید که بر تکریم، تعظیم و بزرگداشت این روز بسیار تأکید شده است.

اعمال مستحبی در میلاد رسول خدا^(ص) و امام صادق^(ع) چنین است

جشن و شادی کردن

صدقه دادن

دو رکعت نماز هنگام بالا آمدن آفتاب در هر رکعت پس از حمد، ۵۰ بار سوره قدر و ۵۰ بار سوره توحید خوانده شود.

روزه‌داری؛ طبق روایت، روزه‌داری در این روز برابر با روزه یک سال است

زیارت پیامبر^(ص) و امیرمؤمنان^(ع) از دور یا نزدیکی

غسل کردن

